

رفع فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، از جمله اهداف مهم نظام اسلامی و به تبع آن، اقتصاد اسلامی به‌شمار می‌آید. برقراری عدالت اجتماعی از راه کاهش نابرابری‌های مادی و توزیع متعادل درآمدها میسر است. اما نکته اینجاست که در جهت توزیع متعادل‌تر درآمد، همواره مناطق و نواحی گوناگون یا افراد جامعه یکسان از آن بهره‌مند نمی‌شوند. این مشکل، دستیابی به عدالت اجتماعی را با وقفه مواجه می‌سازد. چنانچه مناطق محروم و روستایی و افراد کم‌درآمد و فقیر در این فرایند، از بهره‌مندی کافی برخوردار باشند می‌توان ادعا کرد عدالت اجتماعی محقق شده است.

در مناطق محروم، به علل گوناگون، از جمله نبود منابع کافی، تحت شعاع شهرها قرار گرفتن، و نبود درآمد مناسب انگیزه‌ای برای تولید وجود ندارد. هرچند برخی از افراد ساکن در این مناطق مشغول فعالیت کشاورزی و دام‌پروری هستند، اما بسیاری از افراد، به‌ویژه جوانان، به‌سبب عدم اشتغال و همچنین نبود سرمایه کافی برای ایجاد شغلی مناسب، اقدام به مهاجرت می‌کنند و یا در حاشیه مناطق شهری ساکن می‌شوند. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان‌دهنده آن است که دستیابی به رشد درآمد سرانه در مناطق گوناگون کشور و کاهش فقر خانوارهای کم‌درآمد و محروم به‌طور عمده، از طریق پدید آوردن فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار امکان‌پذیر خواهد شد و ابزار اعطای وام در شکل اعتبارات خرد، به‌تنهایی نمی‌تواند به کاهش فقر در مناطق کشور بینجامد؛ زیرا ممکن است ثبات و پایداری کافی نیابد (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵).

مناطق محروم (مناطق که غالباً روستایی هستند) با وجود دارا بودن منابع غنی محیطی و انسانی، در عمده شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در پایین‌ترین سطح قرار دارند. این امر، ضرورت سرمایه‌گذاری، تزریق منابع، و ایجاد برخی تسهیلات در این مناطق را بیشتر می‌کند.

یکی از روش‌های ممکن برای تزریق تسهیلات به مناطق محروم استفاده از اوراق استصناع است. این اوراق، نقدینگی موجود در دست افراد ریسک‌گریز را، که طیف زیادی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، جمع‌آوری و به سمت طرح‌های تولیدی هدایت می‌کند. استفاده از این اوراق موجب تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و افزایش سطح اشتغال در این مناطق می‌گردد.

در این مقاله با استفاده از «توصیفی - تحلیلی» به ارائه چارچوب و سازوکار استفاده از روش استصناع جهت تأمین مالی خرد در مناطق محروم می‌پردازیم. برای این منظور، ابتدا به بیان پیشینه تحقیق در دو حوزه «تأمین مالی خرد» و «تأمین مالی به وسیله صکوک استصناع» می‌پردازیم. سپس مفهوم «تأمین مالی خرد اسلامی»، تعریف «استصناع»، تعریف «صکوک استصناع» و مزایای آن، و

اوراق استصناع و تأمین مالی خرد در مناطق محروم

eisavim@yahoo.com

mahmudi.azam@yahoo.com

محمود عیسوی / استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

اعظم محمودی / کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه علوم اقتصادی

دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

چکیده

مناطق محروم به واسطه فقدان زیرساخت‌ها از قابلیت چندانی برای جذب سرمایه‌گذاری برخوردار نیستند. همین امر ضرورت تأمین مالی طرح‌های خرد در مناطق محروم با استفاده از حمایت‌های دولتی را دوچندان می‌نماید. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی امکان استفاده از روش استصناع برای تأمین مالی طرح‌های خرد در این مناطق می‌پردازیم. بر اساس فرضیه مقاله، اوراق استصناع ابزاری مناسب برای تأمین مالی خرد در مناطق محروم است. یافته‌های پژوهش حاکی از کارایی اوراق استصناع برای تأمین این هدف است. در مدل پیشنهادی، فرایند تأمین مالی خرد با ارائه درخواست سفارش ساخت کالایی مشخص از طرف یک شرکت (دولتی یا خصوصی) به بانک آغاز می‌گردد. این روند با معرفی گروه‌های تولیدکننده به بانک و انعقاد قرارداد استصناع بانک با آنها، انتشار اوراق استصناع، تأمین مالی خرد و در نهایت پرداخت سود دارندگان اوراق ادامه می‌یابد. مدل پیشنهادی مقاله از مزایایی همچون زمینه‌سازی افزایش اشتغال در مناطق محروم، جمع‌آوری و استفاده بهینه از منابع خرد، اطمینان‌بخشی نسبت به فروش محصولات تولیدی توسط تولیدکنندگان و رونق تولید برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: اوراق استصناع، تأمین مالی خرد، مناطق محروم.

طبقه‌بندی JEL: G24, R5, P4

ضرورت وجود الگوی تأمین مالی خرد در مناطق محروم بیان می‌گردد. در ادامه، الگوی تحلیلی تأمین مالی خرد از طریق اوراق استصناع ارائه می‌شود. در پایان نیز با معرفی ویژگی‌های الگوی پیشنهادی و مزایای آن جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی ذکر شده است.

پیشینه تحقیق

از آنجا که تأمین مالی خرد به روش استصناع مبتنی بر ترکیبی از دو شیوه تأمین مالی خرد و استصناع است؛ پیشینه تحقیقات مرتبط با هریک را در ادامه مرور می‌کنیم. مشخص است که تحقیق حاضر در پی ارتباط بین این دو حوزه (تأمین مالی خرد و تأمین مالی به وسیله استصناع) و ارائه مدل عملیاتی آن است.

الف. پیشینه تأمین مالی خرد

با توجه به توسعه و موفقیت نسبی تأمین مالی خرد در سطح بین‌الملل، تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است. در این قسمت، به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. مطالعات انجام‌گرفته در ایران

حسن‌زاده و ارشدی (۱۳۸۲) در مقاله «نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی» به ارزیابی تجارب تأمین مالی روستایی در ایران و برخی کشورهای آسیایی پرداخته‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که طی دو دهه گذشته، درصد نفوذپذیری وام‌های پرداخت شده میان خانوارهای روستایی افزایش یافته است. علاوه بر آن، متوسط بازده اعتبارات خرد کمتر از متوسط بازده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بوده، ولی اثرگذاری اعتبارات خرد در مقایسه با کل اعتبارات پرداختی بر تشکیل سرمایه ناخالص بیشتر است.

نجفی (۱۳۸۲) در مقاله «تأمین مالی خرد: تجربه‌های جهانی و امکانات توسعه در ایران»، تأمین مالی خرد را کوششی برای بهینه‌سازی دستیابی فقیران و تهی‌دستان به خدمات وام و پس‌انداز به‌شمار آورده است. در این مقاله، تجربه بانک‌های «گرامین بانک» بنگلادش و «راکیات» اندونزی در جایگاه موفق‌ترین نهادهای مالی نمونه پرداخت‌کننده اعتبارات خرد، بررسی شده است.

حسن‌زاده و قویلد (۱۳۸۴) در بررسی «چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران» به مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و «گرامین بانک» بنگلادش پرداختند. در این مطالعه، نسبت‌های نفوذپذیری، خودکفایی مالی، ارزش سپرده به وام‌ها، ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی و ارزش افزوده به تعداد کارکنان در مؤسسه یادشده مقایسه شده است. مقایسه این صندوق‌ها با بانک یادشده به صورت یک نهاد مالی موفق نشان می‌دهد که صندوق‌های قرض‌الحسنه گاهی بسیار ضعیف‌تر

از «گرامین بانک» عمل کرده‌اند و به‌طورکلی، صندوق‌های قرض‌الحسنه به‌رغم ماهیت مجددی آنها، نقش کمتری در کاهش فقر و توانمندسازی افراد نیازمند دارند.

نجفی و یعقوبی (۱۳۸۴) در مقاله «تأمین مالی خرد، راه‌کارهای نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی» در مطالعه میدانی در استان فارس، موضوع مؤسسه‌های مالی رسمی و غیررسمی را تبیین کرده‌اند. آمار و اطلاعات لازم از روش پیمایشی و تکمیل ۲۳۵ پرسش‌نامه از ۱۵ روستای شهرستان‌های فسا و مرودشت و ارسنجان در استان فارس به دست آمده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که اصلی‌ترین علت دریافت اعتبار کشاورزان از منابع رسمی و غیررسمی اعتباری برای مصارف تولیدی است. بررسی هزینه‌های پنهان دریافت اعتبار نیز نمایانگر آن است که هزینه‌های جانبی دریافت اعتبار از بخش رسمی بالاتر از بخش غیررسمی است. همچنین قشرهای کم‌درآمد روستایی بیشترین سهم دریافت اعتبار را از بخش غیررسمی داشته‌اند و علاقه به همکاری کشاورزان با مؤسسه‌های مالی خرد بیشتر بوده که این امر آمادگی کشاورزان مناطق روستایی برای تشکیل مؤسسه‌های مالی خرد را نشان می‌دهد.

حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) در «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی» با روش ادغام داده‌ها (پانل دیتا) در ۲۸ استان کشور و برای سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۲، اثرگذاری تأمین مالی خرد در کاهش فقر و نابرابری در استان‌های کشور را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق، که از متغیر اعتبارات قرض‌الحسنه به عنوان جایگزین تأمین مالی خرد استفاده می‌کند، نشان می‌دهد اعتبارات خرد تنها در صورتی می‌تواند به کاهش فقر بینجامد که اولاً، طبقات گوناگون اقتصادی شناخته شده باشند و ثانیاً، اعتبارات مذکور در جهت ایجاد اشتغال، مصرف شده باشد.

رشیدی (۱۳۸۷) در «امکان‌سنجی تشکیل مؤسسه تأمین مالی خرد در ایران (گامی به سوی تقویت فعالیت‌های اقتصادی جامعه روستایی)» وضعیت موجود خدمات تأمین مالی خرد در جهت حمایت جامعه روستایی ایران در دستیابی به منابع مالی را بررسی کرده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی راه‌کارهای توسعه کمی و کیفی این روش‌ها را از طریق ایجاد مؤسسه‌ای مستقل با عنوان «مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی» امکان‌سنجی کرده‌اند. همچنین این نتیجه حاصل شده است که با توجه به ویژگی‌های خاص تأمین مالی خرد، روستاییان در حالت‌های گوناگونی، مانند اشتغال و افزایش درآمد، کاهش آسیب‌پذیری در مقابل بلایای طبیعی، و توسعه روستایی به خدمات تأمین مالی خرد نیازمندند.

میسیمی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله «رویکردی مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی» برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی، رویکردی مرحله‌ای عرضه کرده‌اند؛ بدین صورت که در مرحله اول، با عقود مبادله‌ای مانند مباحه و در مرحله دوم، با عقد

مشارکت کاهشدهنده، تأمین مالی انجام می‌شود. استفاده از عقود مبادله‌ای در مرحله اول، این فرصت را برای مؤسسه تأمین مالی خرد فراهم می‌آورد که بتواند ضمن بررسی موفقیت وام‌گیرندگان در اجرای صحیح طرح‌ها و متابعت از ضوابط عقد، گروه‌هایی را که شایستگی دریافت تأمین مالی مشارکتی در مرحله دوم دارند، بشناسد. یافته‌های این تحقیق، که با روش «تحلیلی-توصیفی» به دست آمده است، نشان می‌دهد کاربرد الگوی مرحله‌ای در تأمین مالی خرد اسلامی، نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه مزیت‌های گوناگونی نیز برای مؤسسات تأمین مالی خرد و وام‌گیرندگان به همراه دارد.

۲. مطالعات انجام گرفته در سایر کشورها

الگاری (۲۰۰۴) تأسیس یک نهاد مالی غیرانتفاعی را با عنوان «بانک قرض الحسنه» پیشنهاد کرده است که با اعطای وام‌های بدون بهره، به فقرا جامعه کمک می‌کند. سرمایه این بانک را ثروتمندان جامعه از منابع حاصل از وقف وجوه تأمین خواهند کرد.

سیراکا (۲۰۰۴) در این زمینه، الگویی عرضه کرده است که در آن، بر اساس مفهوم «وقف وجوه نقد»، نهادی ایجاد می‌شود که اهداف اجتماعی جامعه را محقق می‌کند.

احمد (۲۰۰۷) و قحط (۲۰۰۴) هم طرح ایجاد مؤسسات تأمین مالی خرد را مبتنی بر زکات، اوقاف و صدقات عرضه کرده‌اند.

ب. پیشینه تأمین مالی به وسیله صکوک استصناع

در زمینه موضوع تحت بررسی، تاکنون مطالعه‌ای انجام نشده است، اما در زمینه «صکوک استصناع» مطالعاتی صورت پذیرفته که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مطالعات انجام گرفته در ایران

نظرپور (۱۳۸۴) در مقاله «اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت)؛ ابزاری برای سیاست پولی» ضمن تبیین «عقد استصناع» و ماهیت آن از نظر فقهی، به تصحیح آن پرداخته و «صکوک استصناع» را به عنوان جایگزینی برای اوراق قرضه معرفی کرده و چگونگی به‌کارگیری آن توسط بانک مرکزی در چارچوب عملیات بانکی بدون ربا به‌منظور اعمال سیاست‌های مناسب اقتصادی را تبیین نموده است.

موسویان (۱۳۸۶) نیز در مقاله «اوراق بهادار استصناع؛ مکمل بازار سرمایه ایران» ضمن بررسی فقهی و حقوقی قرارداد استصناع، کارکرد این اوراق را به عنوان ابزاری برای تأمین مالی طرح‌های اقتصادی بررسی کرده است.

کمیجانی و نظرپور (۱۳۸۶) در مقاله «تأمین مالی طرح‌های اقتصادی از طریق اوراق استصناع» ضمن تبیین ویژگی‌های «صکوک استصناع» به عنوان یک ابزار مالی و بررسی چگونگی شکل‌گیری این اوراق در بورس، به معرفی اقسام صکوک استصناع پرداخته و پس از بررسی ریسک‌های اعتباری، تورم و ساختاری درباره این اوراق، ریسک انواع صکوک استصناع را درجه‌بندی کرده‌اند.

نظرپور و خزائی (۱۳۹۱) در مقاله «طراحی و بررسی انواع صکوک استصناع قابل انتشار در بورس اوراق بهادار» به روش «توصیفی» و «تحلیل محتوا» با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن معرفی «صکوک استصناع» و ضرورت و چگونگی شکل‌گیری آن، این صکوک را به عنوان ابزاری مناسب برای تأمین مالی در بازار سرمایه معرفی کرده‌اند. در پایان مقاله نیز صکوک استصناع بر مبنای خرید دین، صکوک استصناع بر مبنای اجاره به شرط تملیک و صکوک استصناع رهنی را به عنوان گزینه‌های قابل انتشار در بورس اوراق بهادار پیشنهاد، و در آخر نیز ویژگی‌های صکوک پیشنهادی را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

موسویان و حدادی (۱۳۹۲) در مقاله «تأمین مالی پروژه محور به وسیله صکوک استصناع در صنعت نفت»، مزیت‌ها و عیب‌های تأمین مالی «پروژه‌ای» در مقایسه با تأمین مالی شرکتی، تأمین مالی «پروژه محور» به وسیله صکوک استصناع را بیان کرده‌اند. این تحقیق با رویکردی کیفی و با استفاده از روش تحقیق «تفسیری» مبتنی بر نظر خبرگان و با تمرکز بر نمونه‌کاوی صورت گرفته است. نتیجه این تحقیق دربرگیرنده الگویی از تأمین مالی «پروژه محور» به وسیله صکوک استصناع است که با اعمال تغییرهایی در الگوهای عمومی صکوک استصناع در جهت همخوانی با محدودیت‌های طرح‌های بخش نفت حاصل شده است.

۲. مطالعات انجام گرفته در سایر کشورها

زرقا (۱۳۸۰) در مقاله «گواهی استصناع (سفارش ساخت)»، ابتدا تعریفی از «قرارداد استصناع» بیان کرده و سپس این قرارداد را به عنوان ابزاری برای تأمین مالی و واسطه‌گری مالی معرفی نموده است. وی در پایان مقاله، نقش بانک‌های اسلامی در زمینه درآمدزایی در بازار قرارداد استصناع را بیان داشته است.

همچنین سلمان (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «محصولات بازار سرمایه اسلامی: توسعه و چالش‌ها»، ضمن ارائه الگوی عملیاتی صکوک استصناع مبتنی بر اجاره، منتشر شده از سوی «شرکت دارات خلیج البحرین»، استدلال‌های فقهی اهل سنت در این زمینه را ارائه داده است. ماهیت اوراق مذکور بدین گونه است که ابتدا طرح احداث و یا کالای موردنظر ساخته و سپس اجاره داده می‌شود و در پایان دوره نیز طرح یا کالا فروخته می‌شود.

مفهوم «تأمین مالی خرد اسلامی» و ویژگی‌های آن

گرچه تعاریف گوناگونی برای «تأمین مالی خرد اسلامی» ارائه شده است، اما می‌توان در مجموع، تعریف ذیل را در رابطه با تأمین مالی خرد اسلامی ارائه کرد:

ارائه وام نقدی و یا غیرنقدی بر اساس عقود اسلامی و در جهت اهداف اقتصاد اسلامی به کارفرمایان فقیر به منظور راه‌اندازی و یا حفظ یک فعالیت تجاری (اسمولو، ۲۰۰۷). هرچند میان «تأمین مالی خرد اسلامی» و «تأمین مالی خرد متعارف» تشابهات گوناگونی از جمله وام‌دهی گروهی وجود دارد، اما تفاوت‌های مشخصی نیز وجود دارد. در ذیل، به برخی از مهم‌ترین این تفاوت‌ها اشاره می‌شود (میسسی و همکاران، ۱۳۹۱):

الف. حذف بهره

مسئله مهم‌ترین چالش تأمین مالی خرد متعارف مسئله «بهره» است. در واقع، مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف وام‌دهی خود را بر اساس دریافت بهره انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد که معمولاً درصد بهره دریافتی بالاتر از نرخ‌های بهره معمول در اقتصاد است. برای نمونه، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که حتی در کشور بنگلادش، که در زمینه تأمین مالی خرد پیشرو است، بیشتر مؤسسات نرخ بهره‌ای قریب ۲۵ تا ۳۰ درصد بر فقرا تحمیل می‌کنند. برخی دیگر از تحقیقات نیز ضمن بررسی تجربه تعدادی از مؤسسات تأمین مالی خرد، نشان می‌دهند که اگر علاوه بر نرخ‌های بهره‌ای که در تأمین مالی خرد متعارف به صورت صریح دریافت می‌شود، نرخ‌ها و هزینه‌های دریافتی به صورت غیرمستقیم نیز محاسبه گردد، آن‌گاه نرخ بهره‌ای که واقعا از فقرا دریافت می‌شود، قریب ۴۰ درصد است که بسیار بیشتر از نرخ‌های بهره‌ای است که در بانک‌های متعارف از متقاضیان تسهیلات دریافت می‌گردد، گرچه همچنان از نرخ بهره در بازارهای غیررسمی پایین‌تر است (منان، ۲۰۰۷).

ب. استفاده از عقود اسلامی در تخصیص منابع

تأمین مالی متعارف به‌طور عمده، مبتنی بر «عقد قرض» و دریافت «بهره» (ربا) است. اما با توجه به حرمت ربا در اقتصاد اسلامی، لازم است در ارائه تأمین مالی خرد اسلامی از عقود گوناگونی استفاده شود که در نظام مالی اسلام وجود دارد. عقود مذکور را، که در بانک‌های اسلامی به منظور ارائه تسهیلات از آنها استفاده می‌شود، می‌توان به چهار گروه کلی تقسیم کرد (موسویان، ۱۳۸۶):

۱. عقود مشارکتی: در این عقود، مؤسسه مالی تمام یا بخشی از سرمایه لازم به منظور انجام یک فعالیت

اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین می‌کند و در نهایت، بر اساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت را تقسیم می‌کند. این عقود در نظام بانک‌داری بدون ربا عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه، و مساقات.

۲. عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت: در این دسته از عقود، مؤسسه تمام یا بخشی از سرمایه لازم به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا تأمین نیاز یک خانوار را فراهم می‌کند، با این تفاوت که پس از انعقاد قرارداد و یا تغییرات ایجاد شده در طرح اقتصادی موردنظر، ارتباطی به سود و مطالبات مؤسسه پیدا نمی‌کند. این عقود عبارتند از: فروش اقساطی، خرید دین، استصناع و اجاره به شرط تملیک.

۳. عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر: در این عقود نیز مؤسسه بخشی از سرمایه مالی لازم برای انجام یک فعالیت اقتصادی و یا پول لازم یک خانوار را تأمین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود مؤسسه متغیر است و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد، حتی احتمال آن می‌رود که سودی برای مؤسسه رخ ندهد، بلکه متحمل ضرر نیز گردد. این عقود شامل دو مورد یعنی معاملات سلف و جعاله می‌گردد.

۴. قرض الحسنه: در این عقد، مؤسسه مالی منابعی را که در اختیار دارد بر اساس عقد قرض الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد و تنها به گرفتن کارمزد مربوطه اکتفا می‌کند.

ج. استفاده از عقود و نهادهای اسلامی در تجهیز منابع

مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف منابع مالی خویش را یا از طریق سپرده‌پذیری بر اساس «عقد قرض» و پرداخت «بهره» انجام می‌دهند و یا از منابع بیرونی - مثلاً، کمک‌های دولتی و یا بین‌المللی - استفاده می‌کنند. در مقابل، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی از عقود اسلامی نیز در جذب سپرده‌ها استفاده می‌کنند. علاوه بر این، می‌توانند از نهادهای اقتصادی اسلام به منظور تأمین منابع خویش استفاده کنند؛ منابعی همچون وقف، قرض الحسنه، خمس، زکات، انفال، و فیء. بنابراین، روشن است که منابع تجهیز درآمد برای مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی منابعی رایگان هستند و مؤسسات در قبال آنها تعهدی ندارند.

د. توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی

همان‌گونه که تحقیقات تأمین مالی خرد نشان می‌دهند، معمولاً مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف به گروه‌های ضعیف‌تر فقرا (فقیرترین فقرا) توجهی نمی‌کنند. توجهی نیز که در این رابطه ارائه می‌شود آن

حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا اجرای طرحی با ویژگی‌های مشخص در آینده که سفارش‌گیرنده (بیمانکار) در ازای گرفتن مبالغ آن در زمان‌های توافق شده - که بخشی از آن می‌تواند به صورت نقد و بخشی از آن به صورت اقساط به تناسب پیشرفت فیزیکی کار و یا حتی مستقل از آن باشد - بر اساس زمان‌بندی کوتاه‌مدت یا بلندمدت - مثلاً، یک ساله تا ده ساله - متعهد می‌شود مواد اولیه و کالاهای لازم را به سفارش‌دهنده تحویل دهد و سفارش‌دهنده نیز در صورت تطابق کامل کالا یا طرح با مشخصات قید شده در قرارداد، آن را تحویل خواهد گرفت (کمپجانی و نظریور، ۱۳۸۶).

تعریف «صکوک استصناع»

«صکوک استصناع» بر پایه عقد استصناع منتشر می‌شود. «صکوک استصناع»، گواهی‌هایی با ارزش اسمی یکسان هستند که پس از اتمام عملیات پذیره‌نویسی، بیانگر پرداخت مبلغ اسمی مندرج در آن توسط خریدار به ناشر هستند (نظریور و خزائی، ۱۳۹۱).

این اوراق با هدف تجهیز وجوه لازم برای تولید کالای خاص منتشر می‌شوند و کالایی که بر این اساس تولید می‌شود متعلق به دارندگان اوراق است. منتشرکننده سازنده یا عرضه‌کننده کالا است. پذیره‌نویسان خریداران کالای ساخته شده هستند. وجوه تجهیز شده هزینه تولید کالا است. دارندگان اوراق مالک کالای تولید شده یا قیمت فروش آن هستند (نظریور و ابراهیمی، ۱۳۸۸).

مزایای صکوک استصناع

مزیت قابل توجه در انتشار اوراق استصناع این است که دولت می‌تواند بخشی از طرح‌های خود را از طریق انتشار این اوراق تأمین مالی کند؛ طرح‌هایی که در صورت عدم انتشار این اوراق قادر به تأمین مالی آنها نیست. افزون بر آن، با تأخیر در پرداخت وجوه مربوطه به آنها تا زمان سررسید، با منابع مالی محدودتری در طول زمان، قادر خواهد بود حجم بیشتری از طرح‌ها را تأمین مالی کند و از این طریق به اعمال سیاست مالی بپردازد. همه اوراق استصناع را ضرورتاً وزارت‌خانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی انتشار نمی‌دهند. بخش خصوصی نیز با مجوز رسمی بانک مرکزی می‌تواند این اوراق را منتشر کند. در این صورت، سیاست مالی اصلاً تحقق نمی‌یابد.

ظهور و گسترش اوراق استصناع در مجموعه اسناد و اوراق بهادار می‌تواند علاوه بر تأمین مالی طرح - اعم از دولتی و خصوصی - بر رونق بازار بورس بیفزاید و زمینه‌های کارآمدی بیشتر آن را فراهم سازد. اساساً بازار ثانویه پررونق موجب گسترش و کارایی مطلوب بازار اولیه شده،

است که «ارائه تأمین مالی خرد به گروه‌های به شدت فقیر نه تنها موجب نجات آنها نمی‌شود، بلکه به سبب ناتوانایی در بازپرداخت، موجب می‌شود هرچه بیشتر مدیون گردیده، در آینده فقیرتر گردند» (بادراکس وکن، ۲۰۰۸). اما در نظام اقتصاد اسلامی، با توجه به نهادهای اسلامی موجود (مانند زکات و قرض الحسنه)، مؤسسات تأمین مالی خرد می‌توانند به منظور حمایت از گروه‌های به شدت فقیر، در موقعیت بهتری قرار گیرند. به عبارت دیگر، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی توانایی ارائه خدمات مالی به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی را نیز دارند. این خود نقش مهمی در تقویت معیارهای عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی دارد (کرانشاوی، ۲۰۰۷).

ه. تمایز بین تسهیلات تولیدی و مصرفی

یکی از ویژگی‌های مهم مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی تفکیک بین تسهیلات تولیدی و مصرفی است. به عبارت دیگر، مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی بین فقرایی که نیازهای مصرفی صرف دارند و فقرایی که نیازهای تولیدی دارند (ولی فاقد سرمایه هستند) تفاوت قایل می‌شود. از این رو، تمرکز اصلی مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی بر توانمندسازی فقرا از راه تجمیع آنها و تلاش در جهت ارائه وام‌های تولیدی به آنها از طریق عقود مشارکتی و مبادله‌ای (با نرخ‌های سود پایین) است. البته مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی به نیازهای مصرفی فقرا نیز توجه دارد و آنها را از طریق عقد قرض‌الحسنه تأمین می‌کند، هرچند تمرکز اصلی مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی بر ارائه وام‌های مصرفی نیست.

به نظر می‌رسد تفکیک وام‌های مصرفی و تولیدی و منع استفاده از عقد قرض در ارائه تسهیلات تولیدی، با اهداف نظام اقتصادی اسلام سازگاری بهتری داشته باشد؛ زیرا آنچه از مجموع آیات و روایات در باب قرض‌الحسنه به دست می‌آید آن است که در اسلام، این نوع عقد به‌طور عمدی، برای تأمین نیازهای مصرفی فقرا ارائه شده و دین اسلام برای فعالیت‌های تولیدی و تجاری، عقود مشارکتی و مبادله‌ای را ارائه نموده است که در آن، نه تنها نیازهای تولیدی تجاری دریافت‌کننده منابع مالی برطرف می‌شود، بلکه بخشی از سود فعالیت اقتصادی به تأمین مالی‌کننده نیز می‌رسد.

تعریف «استصناع»

واژه «استصناع» در لغت، از باب استفعال از ماده «صنع» است و به طلب و سفارش ساخت چیزی می‌گویند و در استعمال عرفی، عبارت از این است که کسی ساخت شیئی را از صنعتگر یا هنرمندی تقاضا کند (موسویان، ۱۳۹۱). استصناع، در اصطلاح، قراردادی است بین دو شخص، اعم از حقیقی و

رغبت اشخاص حقیقی و حقوقی را برای ورود به بازار بورس و سرمایه گذاری در آن بیشتر می کند (نظرپور، ۱۳۸۵).

استصناع از آن رو که جزو عقود مبادله ای بوده و دارای بازده ثابت است، برای جمع آوری سرمایه های هر چند کوچک افراد، به ویژه افراد ریسک گریز، که طیف زیادی از افراد جامعه را تشکیل می دهند، و با سوق دادن این سرمایه ها در اجرا یا تکمیل طرح های تولیدی، می تواند تأثیر چشم گیری داشته باشد.

ضرورت وجود یک الگوی تأمین مالی خرد در مناطق محروم

در حال حاضر، مؤسسه های متعدد و همچنین نهادهایی مانند «کمیته امداد امام خمینی (ع)»، «بهبزستی»، «بنیاد مستضعفان» اقدام به اعطای تسهیلات (تولیدی و مصرفی) در مناطق محروم می نمایند، اما هیچ کدام از این مؤسسه ها و نهادها بر اساس یک الگوی تأمین مالی خرد تسهیلات اعطا نمی کنند. هر چند تأمین مالی خرد در ایران معمولاً در قالب قرض الحسنه به افراد اعطا می گردد، اما در این نوع تأمین مالی خرد نیز افرادی که متقاضی تسهیلات هستند باید وثایق کافی در اختیار داشته باشند تا بتوانند مشمول تسهیلات واقع گردند. همچنین در این نوع تسهیلات، درخواست اعطای تسهیلات تولیدی مزیت چندانی برای تسهیلات گیرنده مبنی بر دریافت سریع تر این نوع وام ایجاد نمی کند.

بنا به دلایل گفته شده، باید الگویی در تأمین مالی خرد ارائه کرد که اولاً، برای طرح های تولیدی اهمیت ویژه ای قائل شود و ثانیاً، نیازی به اعطای تسهیلات در این طرح ها نباشد. بنابراین، می توان از الگوهای تأمین مالی خرد در مؤسسه های تأمین مالی خرد متعارف و تجارب آنها با حذف معایب این الگوها، نهایت استفاده را برای ارائه الگوهای کاربردی برد.

از سوی دیگر، با توجه به تعاریفی که از «عقد استصناع» موجود است، شمول دامنه این قرارداد بیش از پیش آشکار می گردد. قرارداد استصناع (سفارش ساخت) در تأمین مالی کالاهای بی شماری نظیر فرش، خانه، خودرو و حتی احداث شهرک ها و مجموعه های بزرگ صنعتی قابل استفاده است. در این میان، نقش این قرارداد در تأمین مالی زمینه های تولیدی برجسته است.

الگوی تأمین مالی خرد از طریق اوراق استصناع

در این بخش، با استفاده از اوراق استصناع غیرمستقیم، الگویی برای تأمین مالی خرد در مناطق محروم ارائه می شود.

اوراق استصناع، که شامل اوراق استصناع مستقیم و اوراق استصناع غیرمستقیم می شود. اوراق

استصناع غیرمستقیم در طرح های کوچک و یا طرح های بزرگی که به طرح های کوچک تبدیل شده و در آن تولیدکنندگان (سازندگان) جزء نمی توانند با وزارت خانه ها و نهادهای دولتی به طور مستقیم وارد مذاکره شوند، به کار گرفته می شود (موسویان، ۱۳۹۱).

به سبب آنکه در این تحقیق، از یک سو، تأمین مالی خرد بررسی می شود و طرح هایی که مدنظر است معمولاً طرح های کوچکی هستند و از سوی دیگر، تولیدکنندگان کالاها به طور مستقیم با سفارش دهنده (بانی) وارد مذاکره نمی شوند، بنابراین، در این الگو اوراق استصناع غیرمستقیم پیشنهاد می گردد.

الف. ارکان اوراق استصناع در الگوی پیشنهادی

در طراحی اوراق استصناع، عناصر متعددی حضور دارند که از آنها به عنوان «ارکان استصناع» یاد می شود (موسویان، ۱۳۹۱):

۱. بانی: کسی است که نیاز به کالا یا طرح مشخصی دارد، ولی امکان پرداخت یکجا و نقد هزینه های طرح را به تولیدکنندگان ندارد و برای تأمین مالی طرح خود، اوراق استصناع منتشر می کند. بنابراین، بانی یا همان سفارش دهنده خصوصیات کالاهای مورد نیاز، از جمله مشخصات فنی و فیزیکی و قیمت پیشنهادی کالا و همچنین زمان بندی توانایی پرداخت های خود را به طور کامل مشخص می کند.

در این الگو، بانی می تواند یک شرکت دولتی و یا شرکت خصوصی باشد. برای مثال، شرکت صادراتی کالای خاص؛ مانند فرش و یا صنایع دستی.

۲. تولیدکنندگان یا سازندگان کالا: فرد یا افرادی هستند که متعهد به ساخت دارایی لازم، با توجه به شرایط زمانی و مالی قید شده در قرارداد هستند. در این الگو، تولیدکنندگان به صورت گروهی طرف قرارداد استصناع با بانک هستند.

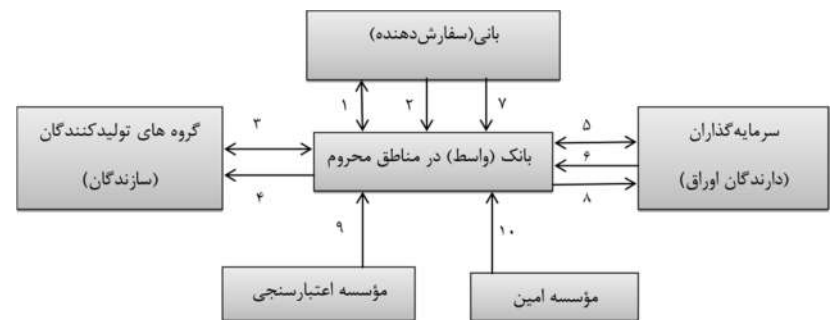
۳. سرمایه گذاران (دارندگان اوراق استصناع): اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که با خرید اوراق استصناع، بانی را تأمین مالی می کنند.

۴. ناشر (واسط): هر شخص حقوقی است که اوراق بهادار را منتشر می کند. در این الگو، ناشر بانک موجود در منطقه محروم است که برای تأمین مالی خرد اختصاص یافته و دارای مجوزهای انتشار اوراق استصناع است.

لازم به ذکر است که در این الگو، به دو سبب از بازار سرمایه استفاده نشده و بانک به عنوان ناشر معرفی گردیده است:

۱. تولیدکنندگان معمولاً افرادی هستند که ممکن است آگاهی چندانی نسبت به فعالیت در بازار سرمایه نداشته باشند. همچنین بانک‌های موجود در منطقه برای این افراد قابل دسترس بوده و مراجعه به آنها امکان‌پذیرتر و سهل‌تر است.
۲. به سبب ماهیت فعالیتی که در این الگو انجام می‌گیرد، بانک به عنوان «ناشر» معرفی شده است؛ زیرا از بازار سرمایه برای تأمین مالی کلان استفاده می‌شود و در این الگو، که فعالیت‌های خرد مدنظر است، بازار سرمایه در این فعالیت‌ها دخالتی ندارد.
۵. **امین:** شخص حقوقی است که بر کل فرایند انتشار اوراق بهادار نظارت دارد و تمام نقل و انتقالات مالی با اجازه وی صورت می‌گیرد.
۶. **مؤسسه رتبه‌سنجی:** شرکتی است که با اخذ مجوز از سازمان بورس یا بانک مرکزی اقدام به تعیین رتبه اعتباری اوراق می‌کند.

شکل ۱: الگوی عملیاتی اوراق استصناع غیرمستقیم در فرایند تأمین مالی خرد



ب. الگوی عملیاتی انتشار اوراق استصناع غیرمستقیم در فرایند تأمین مالی خرد

۱. بیان تفصیلی الگو:

۱. در این مرحله، بانی برای سفارش ساخت کالاهای لازم، به بانک مراجعه می‌کند و کالاهای مشخصی را سفارش می‌دهد. بانک و سفارش‌دهنده قرارداد استصناع مربوط به طرح خاصی (تولید تعداد انبوه فرش) را منعقد می‌کنند، به این مضمون که بانک در مدت زمان معین، طرح را بسازد و تحویل دهد. سفارش‌دهنده نیز متعهد می‌شود قیمت کالاهای تولیدی را به صورت اوراق استصناع با سررسیدهای مشخص به بانک بپردازد.
۲. در این مرحله، بانک مطابق قرارداد، اوراق استصناع را منتشر و به امضای سفارش‌دهنده کالا می‌رساند.

۳ و ۴. بانک قرارداد استصناع دیگری را با گروه‌های تولیدکننده کالای موردنظر منعقد می‌سازد، مبنی بر اینکه تولیدکنندگان کالاهای موردنظر را طبق زمان‌بندی معین بسازند و به بانک تحویل دهند. بانک در اینجا، بخشی از ارزش قرارداد را در ابتدای کار به آنها پرداخت می‌کند تا با آن فعالیت خود را شروع کنند. برای مثال، بخشی از مواد اولیه را فراهم کند و مابقی را به تناسب پیشرفت طرح، پرداخت نماید.

۵ و ۶. بانک اوراق استصناع را به سرمایه‌گذاران می‌فروشد؛ کسانی که به سرمایه‌گذاری در مناطق محروم علاقه دارند.

۷ و ۸. بانک در سررسید اوراق استصناع، مبلغ اسمی اوراق را از سفارش‌دهنده تحویل می‌گیرد و به سرمایه‌گذاران می‌پردازد.

۹ و ۱۰. «مؤسسه امین» و «مؤسسه اعتبارسنجی» مسئولیت‌های تعیین رتبه اعتباری و نظارت و کنترل را بر عهده دارند.

۲. **تجهیز منابع:** مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف، منابع مالی خویش را یا از طریق سپرده‌پذیری براساس «عقد قرض» و پرداخت «بهره» انجام می‌دهند و یا از منابع بیرونی - مثلاً، کمک‌های دولتی - استفاده می‌کنند (حبیب، ۲۰۰۲). در الگوی پیشنهادی تأمین مالی با استفاده از قرارداد «استصناع»، برای جذب منابع لازم، مشکل پرداخت بهره وجود ندارد.

۳. **تخصیص منابع:** تخصیص منابع در مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف، به طور عمده بر اساس «عقد قرض» و دریافت «بهره» (ربا) انجام می‌گیرد. اما با توجه به حرمت ربا در اقتصاد اسلامی، در این الگو در تخصیص نیز قرارداد استصناع منعقد می‌شود و تولیدکنندگان پس از تولید کالای قرارداد شده مبلغ موجود در قرارداد را دریافت می‌دارند.

۴. **حالت‌های مربوط به ارتباط بانک با تولیدکنندگان:** در هر قراردادی دو طرف وجود دارد. رابطه این دو طرف قرارداد با واسط (بانک) باید به بهترین نحو ممکن مشخص باشد.

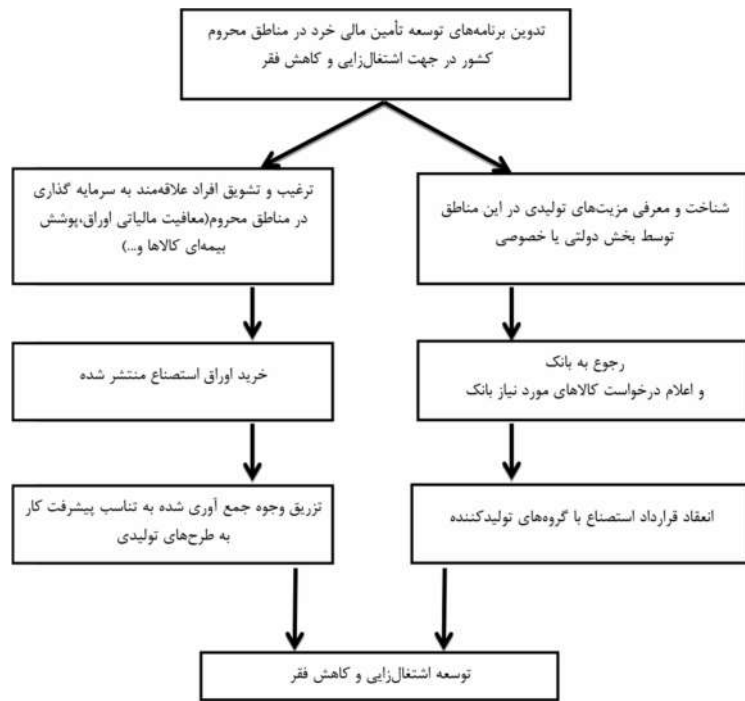
در الگوی ارائه‌شده، بیان گردید که تولیدکنندگان به صورت گروهی فعالیت می‌کنند. به عبارت دیگر، بانک با گروه‌های تولیدکنندگان مواجه است. اما باید نحوه ارتباط بانک و این گروه‌ها مشخص باشد که آیا بانک با تک‌تک این افراد قرارداد «استصناع» منعقد می‌سازد و یا خیر؟

الف. بانک - افراد به طور مجزا: در این حالت، بانک قرارداد سفارش ساخت کالا را به امضای تک‌تک افراد حاضر در گروه می‌رساند. این حالت مشابه تأمین مالی در «گرامین بانک» است، با این تفاوت که در این الگو، تسهیلاتی از طرف بانک به گروه‌ها داده نمی‌شود تا آنها ضمانت یکدیگر را در

ارائه دهند و قادر خواهند بود گروه‌ها را پس از تشکیل به بانک معرفی کنند و در این صورت، سبب خواهند شد تا سریع‌تر فرایند انعقاد قرارداد و در نهایت، تولید صورت بگیرد. این حالت در صورتی است که افراد متقاضی تحت پوشش نهادهای مذکور باشند و در غیر این صورت، حالت سوم امکان‌پذیر نخواهد بود.

به سبب آنکه موضوع مقاله درباره تأمین مالی خرد در مناطق محروم است و افرادی که ساکن در این مناطق هستند عمدتاً تحت پوشش یکی از نهادهای حمایتی کشور قرار دارند، به نظر می‌رسد حالت سوم - که در قبل بیان گردید - برای تأمین مالی خرد در این مناطق مناسب‌تر باشد؛ زیرا این نهادها با شناختی که از افراد تحت پوشش خود دارند، قادر خواهند بود چرخه این گونه تأمین مالی را به طور صحیح‌تری هدایت کنند.

شکل ۲: الگوی تأمین مالی خرد از طریق اوراق استصناع



ویژگی‌های الگوی پیشنهادی

الگوی ارائه‌شده دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه ذکر می‌شود:

بازپرداخت اصل و بهره آن داشته باشند، بلکه گروه‌ها وارد یک قرارداد تولیدی می‌شوند و در ازای تولید کالا، مبلغ مشخصی دریافت می‌دارند.

ب. بانک - رئیس شرکت تشکیل‌شده از افراد: در این حالت، فرض می‌شود گروه‌ها شرکتی تأسیس می‌کنند که در آن یک نفر به عنوان رئیس این گروه تعیین شده است. به عبارت دیگر، در اینجا بانک دیگر با تک‌تک افراد قرارداد «استصناع» امضا نمی‌کند، بلکه یک نفر به نمایندگی از گروه این کار را انجام می‌دهد.

ج. بانک - نهادهای فعال در حوزه شناسایی گروه‌های هدف: در کشور ما، نهادهای گوناگونی در زمینه خدمت‌رسانی به افراد نیازمند فعالیت دارند؛ از جمله «کمیته امداد امام خمینی»، «بهبودی»، «بنیاد مستضعفان» و مانند آنها که از پراکندگی کافی در سراسر کشور برخوردارند. این نهادها می‌توانند بستری برای تعیین گروه‌هایی باشند که به عنوان تولیدکننده، قرارداد «استصناع» را با بانک منعقد می‌سازند. شاید در بخشی از فعالیت‌ها مانند فروش بافی نیاز چندانی به آموزش به افراد وجود نداشته باشد، اما صنایع کوچک زیادی وجود دارد که با توجه به مزیت‌هایی که هریک از مناطق محروم کشور از آن برخوردارند، ممکن است نیاز به آموزش آنها باشد. این آموزش‌ها می‌تواند از طریق همین نهادها به افراد داده شود و زمانی که به مهارت تبدیل گردید، گروه‌ها توسط شناختی که از افراد به‌دست آمده است، شکل می‌گیرند. در این حالت، دیگر بانک حتی با گروه نیز قرارداد منعقد نمی‌سازد، بلکه رابطه بانک با این نهادها ادامه خواهد یافت.

هریک از سه حالت بیان‌شده دارای معایب و محاسنی است:

در حالت اول، که بانک با تک‌تک افراد ارتباط دارد، به سبب آنکه قرار است تولید به صورت انبوه انجام شود، ممکن است تعداد اعضا زیاد شود، به‌گونه‌ای که منجر به تلف شدن منابع و وقفه در تولید و فرایندهای بعدی شود. اما چون ممکن است افراد موجود در گروه تحت پوشش هیچ‌یک از نهادهای گفته شده نباشند این ارتباط بین بانک و افراد به صورت مجزا می‌تواند همه افراد جامعه هدف را زیر پوشش قرار دهد.

در حالت دوم، که بانک تنها با یک نفر به عنوان رئیس گروه در ارتباط است، شاید بتوان سریع‌تر قرارداد را منعقد ساخت. اما باید به مشکلاتی که ممکن است افراد برای تعیین این فرد از بین خودشان به عنوان رئیس داشته باشند نیز توجه کرد.

در حالت سوم، بانک با نهادهای خاصی در ارتباط است و نه خود افراد. این نهادها با توجه به شناختی که از افراد تحت پوشش خود دارند، می‌توانند برای تشکیل گروه‌های تولیدی کمک شایانی

۱. حذف بهره

مسئله مهم‌ترین مشکل تأمین مالی خرد متعارف موضوع «بهره» است. در واقع، مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف فرایند اعطای تسهیلات خود را بر اساس دریافت بهره انجام می‌دهند. در این الگو، با توجه به حرمت ربا در اسلام، از استصناع استفاده شده است که مشکل بهره را به دنبال نخواهد داشت.

۲. استفاده از عقد اسلامی

در الگوی ارائه‌شده، از عقد «استصناع» استفاده شده است. این عقد جزو عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت بوده و مناسب برای آن طیف از افرادی است که ریسک‌گریز هستند و به همین سبب، می‌تواند بستر مناسبی برای جمع‌آوری وجوه این افراد و سوق دادن به فعالیت‌های تولیدی و کمک به ایجاد اشتغال در مناطق محروم باشد.

۳. حضور تولیدکنندگان به صورت گروهی

در حال حاضر، هیچ‌یک از بانک‌های کشور و یا صندوق‌های قرض‌الحسنه رسمی، که در کشور حضور دارند، به صورت گروهی تسهیلات (تولیدی) اعطا نمی‌کنند. اما در الگوی پیشنهادی، این ویژگی وجود دارد که افراد به صورت گروهی کالا تولید کنند.

۴. ایفای نقش واسطه‌گری توسط بانک

در این الگو، بانک در جایگاه واسطه بین شرکت سفارش‌دهنده (بانی) و تولیدکنندگان قرار دارد. کارکرد واسطه‌ای بانک سبب می‌گردد دو طرف قرارداد استصناع با یکدیگر از طریق بانک ارتباط برقرار کنند و قرارداد «استصناع» شکل گیرد. بنابراین، در این الگو از استصناع غیرمستقیم استفاده شده است تا واسطه بودن بانک نمایان گردد. همان‌گونه که اشاره گردید، در این الگو، بازار سرمایه نقشی ندارد.

۵. توجه به اشتغال‌زایی منتج از قرارداد استصناع

یکی از ویژگی‌های مؤسسات و نهادهای تأمین مالی خرد این است که هنگام اعطای تسهیلات به افراد، معمولاً به اهداف تولیدی کمتر توجه دارند و بیشتر تسهیلات داده شده صرف امور مصرفی می‌گردد، درحالی‌که در این الگو به سبب ویژگی قرارداد «استصناع» (سفارش ساخت)، تأکید بر تولید است. در واقع، تولیدکنندگان در این الگو، پیش از این، در جایگاه تسهیلات‌گیرندگان خرد بودند.

مزایای الگوی تأمین مالی خرد در مناطق محروم با استفاده از اوراق استصناع

مزایایی که این الگو به همراه دارد عبارت است از:

۱. ایجاد اشتغال برای مردم مناطق محروم

یکی از مهم‌ترین مزایای این الگو آن است که افرادی که با سرمایه کم می‌توانند شغلی به دست آورند در صورت اجرای این الگو، صاحب شغلی خواهند شد و این علاوه بر تأمین مخارج زندگی، سبب خواهد شد از مهاجرت این افراد به شهرها نیز جلوگیری شود.

۲. جمع‌آوری و استفاده بهینه از منابع خرد

سرمایه‌های مازاد و کوچک و فراوانی در اختیار افراد است که در صورت مدیریت این وجوه و ایجاد اعتماد مردم نسبت به بازگشت اصل سرمایه و سود متناسب با اوراق منتشرشده می‌توان این وجوه را به سمت تولید و ایجاد اشتغال، به‌ویژه در مناطق محروم، به کار گرفت.

۳. توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی

همان‌گونه که تحقیقات تأمین مالی خرد نشان می‌دهد، معمولاً مؤسسات تأمین مالی خرد به گروه‌های ضعیف‌تر فقرا (فقیرترین فقرا) توجهی نمی‌کنند (نورالزمان، ۱۹۹۷؛ چادهری، ۱۹۹۹؛ کرانشاوی، ۲۰۰۷). اما در این الگو، تلاش شده است تا به افراد نیازمند اهمیت ویژه‌ای داده شود؛ افرادی که قادرند در صورت وجود منابع مالی لازم، به تولید پردازند و نیازمند دیگران نباشند.

۴. اطمینان از فروش محصولات تولیدی توسط تولیدکنندگان

در این الگو، برای تأمین مالی خرد، از قرارداد «استصناع» استفاده می‌گردد. بدین‌روی، تولیدکنندگان و سازندگان کالاهایی را تولید می‌کنند که سفارش آن را قبل از تولید دریافت کرده‌اند. به همین سبب، با انگیزه بیشتری می‌توانند برای تولید و ارائه کالاهای خود تلاش کنند و از نااطمینانی درباره آینده اقتصادی مصون بمانند که این خود زمینه‌ای برای رونق تولید می‌گردد.

۵. رونق تولید

با توجه به اینکه در این الگو، تأمین مالی خرد با استفاده از انتشار اوراق استصناع انجام می‌گیرد و اوراق استصناع ابزار مناسبی برای جذب نقدینگی افراد ریسک‌گریز و هدایت آنها به سمت طرح‌های تولیدی است، بنابراین، به رونق تولید و رشد اقتصادی کمک می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، الگوی تأمین مالی خرد در مناطق محروم با استفاده از «اوراق استصناع» ارائه گردید. در این الگو، با توجه به اینکه در دو سمت تجهیز و تخصیص منابع از عقد «استصناع» استفاده می‌شود، مشکل وجود «بهره» در تأمین مالی خرد حل می‌شود. فرایند تأمین مالی خرد با ارائه درخواست سفارش ساخت کالایی مشخص با ویژگی موردنظر از سوی یک شرکت (دولتی یا خصوصی) به بانک، آغاز می‌گردد. با معرفی گروه‌های تولیدکننده به بانک و انعقاد قرارداد استصناع، کار بانک و گروه‌ها ادامه می‌یابد. از سوی دیگر، بانک اقدام به انتشار اوراق استصناع می‌کند و وجوه لازم برای تأمین مالی طرح را جمع‌آوری می‌نماید. سرانجام کالاهای سفارش داده‌شده تولید و تحویل داده می‌شود و مبلغ باقی‌مانده به تولیدکنندگان پرداخت می‌گردد. کالای تولیدشده به سفارش‌دهنده (بانکی) تحویل داده می‌شود و مبلغ اوراق به همراه سود مربوط، به سرمایه‌گذاران پرداخت می‌گردد.

الگوی ارائه‌شده دارای ویژگی‌هایی همچون حذف بهره، استفاده از عقد اسلامی، حضور تولیدکنندگان به صورت گروهی، ایفای نقش واسطه‌گری توسط بانک، و توجه به اشتغال‌زایی منتج از قرارداد استصناع می‌باشد.

در پایان، چند پیشنهاد جهت بهبود این طرح مطرح می‌گردد:

۱. برای ترغیب سرمایه‌گذاران به خرید اوراق استصناع در تأمین مالی خرد، پیشنهاد می‌گردد سود اوراق استصناع معاف از مالیات باشد. همچنین بازدهی این اوراق به تناسب سررسید، به‌ویژه در نخستین انتشار، مقداری بیش از بازده طرح‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بانکی باشد.
۲. بین سازمان‌های خدمت‌رسانی همچون «کمیته امداد امام خمینی (ع)»، «بهزیستی»، «هلال احمر»، «بنیاد مستضعفان» و مانند آنها، که به اقشار آسیب‌پذیر جامعه به موازات یکدیگر خدمت می‌کنند، هماهنگی ایجاد شود تا در شناسایی گروه‌های هدف به عنوان تولیدکننده فرایند تأمین مالی خرد تسریع شود.
۳. هر یک از مناطق محروم دارای مزیت‌هایی هستند. برای مثال، برخی از این مناطق محصولاتی تولید می‌کنند که متمایز از سایر مناطق است و می‌توان با بازاریابی و معرفی محصولات این مناطق، شرکت‌های خصوصی یا دولتی متقاضی را برای سفارش تولید این محصولات ترغیب کرد.

منابع

- حسن‌زاده، علی و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۱، ص ۴۵ - ۶۸.
- حسن‌زاده، علی و علی ارشدی، ۱۳۸۲، «نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی»، در: *مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا. ایران.
- حسن‌زاده، علی و صالح قویدل، ۱۳۸۴، «چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ش ۴۹، ص ۱۴۱ - ۱۶۸.
- رشیدی، مهدی، ۱۳۸۷، «امکان‌سنجی تشکیل مؤسسه تأمین مالی خرد در ایران (گامی به سوی تقویت فعالیت‌های اقتصادی جامعه روستایی)»، در: *مجموعه مقالات اولین همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی*، تهران، دانشگاه پیام‌نور.
- زرقا، انس، ۱۳۸۰، «گواهی استصناع (سفارش ساخت)»، ترجمه محمدزمان رستمی، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱، ص ۱۲۰ - ۱۲۸.
- کمیحانی، اکبر و محمدنقی نظریور، ۱۳۸۶، «تأمین مالی طرح‌های اقتصادی از طریق اوراق استصناع»، در: *مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی اسلامی*، تهران، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۶، «اوراق بهادار استصناع؛ مکمل بازار سرمایه ایران»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۸، ص ۳۸-۱۱.
- ۱۳۹۱، *بازار سرمایه اسلامی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میسیمی، حسین و همکاران، ۱۳۹۱، «رویکردی مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۱۲، ص ۳۳-۶۳.
- نجفی، بهاء‌الدین و وحید یعقوبی، ۱۳۸۴، «تأمین مالی خرد، راهکارهای نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ش ۴۹، ص ۱ - ۲۶.
- نجفی، بهاء‌الدین، ۱۳۸۲، «تأمین مالی خرد، تجربه‌های جهانی و امکانات توسعه در ایران»، *بانک کشاورزی*، ش ۱، ص ۱۰۲-۷۹.
- نظریور، محمد نقی، ۱۳۸۴، «اوراق بهادار استصناع ابزاری برای سیاست پولی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۰، ص ۸۱-۱۱۰.
- ، ۱۳۸۵، «عملیات بازار باز از طریق اوراق استصناع (مشکلات و راه حل‌ها)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۲، ص ۷۳-۴۷.
- نظریور، محمدنقی و محبوبه ابراهیمی، ۱۳۸۸، «طراحی صندوق سرمایه‌گذاری مشترک اسلامی در بازار سرمایه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۳، ص ۶۳ - ۹۴.

نظرپور، محمدنقی و ایوب خزائی، ۱۳۹۱، «طراحی و بررسی انواع صکوک استصناع قابل انتشار در بورس اوراق بهادار»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۵۲، ص ۱۸۳ - ۲۰۹.

- Ahmed.H, 2007, "Waqf-based Microfinance: Realizing the Social Role of Islamic Finance", in *Integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector* Singapore, Islamic Banking and Finance Institute.
- Chowdhury, F, 1999, "Let Grassroots Speak: People's Participation, Self Help Groups and NGOs in Bangladesh", Dhaka, University Press Limited.
- Habib.A, 2002, "Financing Microenterprises: AN Analytical Study of Islamic Microfinance Institutions", *Islamic Economic Studies*, P. 27 – 62.
- Kahf, M. ,2004, "Shari'ah and Historical Aspects of Zakah and Awqaf", In Zakah and Awqaf ,Jaddah: Islamic Development Bank.
- Karanshawy, H, 2007, "Finance Plus: A Model for the Activation of Microfinance and Medium Finance" , Paper Presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development (page:8). University Brunei, Darussalam.
- Mannan, M, 2007, "Alternative Micro-credit Models in Bangladesh: A comparative Analysis Between Grameen Bank and Social Investment Bank Limited: Myths and realities", Paper Presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, (page:12). University Brunei, Darussalam.
- Nuruzzaman, M, 1997, *Bangladesh in the Web of Creeping Colonialism of NGOs*. Dhakam, The Center for Bangladesh Studies.
- Salman, Syed Ali, 2005, "Islaamic Capital Market Products: Development and Challenges", IDB Group, Occasional Paper No. 9.